

متن پرسش

سلام علیکم: بخشی از کتاب «آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود» را مطالعه کردم و واقعا بعنوان کسی که در آموزش و پرورش است و فعالیت های فرهنگی دارد، یک دغدغه ملموس و واقعا عظیم بشمار می رود. به نظرم، اصلی ترین مشکل فعالیت های فرهنگی مان ویژه در آموزش و پرورش، این است که به دانش آموز به چشم خلیفه الله و برترین آفریده و شخصی که می تواند خود یک امت باشد و در مسیر تمدن سازی حاضر شود نگاه نمی کند. اصلا در برنامه های آموزشی ما، گویی جایی این فرد برترین آفریده الهی ویژه در این تاریخ نیست و سعی نمی شود با وجود متعالی او صحبت شود و اصلا توجه ندارند او امروز نیازمند توحید تمدن ساز و باید اندیشه و شریعت را به نحوی برای او تبیین کرد که وجودش را در آن حاضر و به عظمت ابدیتی ببیند که باید در آن حاضر شود و در این مسیر با اندیشه و شریعت توحیدی، تاریخ سازی و تمدن سازی کند و انسان امروز تمدنی باید فکر کند و نگاه کلان و همه جانبه به مباحث دارد. مباحث دین و زندگی که واقعا اسف بار است و بجای اینکه هر چه بیشتر انس با شریعت و بودن در تاریخ انقلاب اسلامی را به ارمغان بیاورد، آشنایی با یکسری مفاهیم کلی است که معلوم نیست چگونه می شود با آنها مانوس شد و حتی استدلال و برهان و معارفی هم که می خواهند ارائه دهند، نارسا است. واقعا عجیب است ما در بستر انقلابی هستیم و در تاریخی هستیم که دو رهبر و زعیم انقلابمان، می خواهند انسان این تاریخ را در بستر انقلاب که رجوع به آزادی حقیقی او و تعالی خود عالی بشرست و حضور او در شان خلیفه الله می باشد، حاضر کنند و شخص رهبر انقلاب ۳۰ جلسه در ماه رمضان ۵۳ مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن که امروز یک کتاب شده را مطرح می کنند و دقیقا نگاه تمدنی و جامعه سازانه و نظر به ظرفیت عظیم نفس انسان و مقام متعالی بشریت دارند و خودشان اصرار بر توحید تمدن ساز و انقلاب ساز دارند آنوقت امروز رسما آموزش و فرهنگی را ببینیم که رنگ و بوی آن معارف زلال و ناب در آن نیست و اصلا با وجود متعالی دانش آموز صحبت نمی شود و قصد ندارند مقابلش افقی را باز کنند که با انقلاب اسلامی متناسب این زمانه در طرح کلان توحیدی حاضر شود و رسما دیدگاه و نگاهی حداقلی و پراکنده با دیانت و سیره معصومین دارند و آنوقت توقع ما هم تربیت حججی ها و سلیمانی ها و آوینی ها و شهریاری ها از دل چنین بستری است و فکر می کنیم آموزش و پرورش محل انسان سازی در تراز انقلاب و افقی است که به آن نظر داریم و حتی این دانش آموز را آشنا نمی کنیم که او کیست و اصل او و خود اصیل و عالی او چه معنایی دارد و چگونه می تواند به آزادی بندگی بعنوان هدف بعثت انبیا برسد و این درد سنگینی است که ان شاء الله از آن با خودآگاهی و ثبات قدم امیدوارم در

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همین‌طور است که می‌فرمایید. ما در آموزش و پرورش خود به دلایل مختلفی در مواردی متفاوت، زمین‌گیر هستیم. زیرا روحی که بر آن حاکم است بیشتر برای ساختن انسان‌هایی است تا کارمند اداری شوند که نهادهای شهری مناسب فرهنگ غربی را ادامه دهند و هر اندازه وارد اهدافی شویم که از نهادهای دولت‌شهر غربی فاصله داشته باشد، بیشتر امکان تجدید نظر نسبت به ساختار آموزش و پرورش در ما پیش می‌آید که بحث آن مفصل است. عمده آن است که آرام‌آرام روشن شود از کجا باید شروع کرد و این مربوط به هدفی است که باید مد نظر قرار دهیم، هدفی که در آن بنا نیست کارمندهایی بسازیم برای چنین اداراتی. موفق باشید